

سخن گر از دل زیبا نخواست زیبا نیست

نظر به گزارش رادیو آزادی، صدراعظم پاکستان، یوسف رضا گیلانی، بتاريخ 31.04.1390 گفته است که افغانستان و پاکستان باید تلاشها برای ختم جنگ در امتداد سرحدات شانرا دو چند بسازند تا روابط رو به بهبود میان دو کشور خدشه دار نشود. او همچنان گفت: "دو کشور بخشی از راه حل هستند نه بخشی از مشکل." چنین حرف هائی واقعاً عبور از تمام حدود و ثغور بی حیائی ها است. آیا ما اجازه داریم از جناب صدراعظم پاکستان بپرسیم که شما از کدام روابط رو به بهبود میان دو کشور صحبت می کنید؟ با موضعگیری تاریخی خصمانه ای که پاکستان در برابر افغانستان اختیار نموده است، چگونه میتوان انتظار بهبود روابط میان دو کشور را داشت؟

پاکستان از زمانی که بخشی از خاک های هند و افغانستان بمتابۀ میراث گرگ استعمار پیر به کفتار های مانند جناح و سکندر و ... وانهاده شد، گذشته از این که هیچ اقدامی که واقعاً نمایانگر دوستی این کشور با افغانستان و افغانان باشد نکرده است در هر لحظه ای که موقع برایش میسر شده بدترین ضربات را به افغانستان و افغانان وارد آورده است. تاریخ بر این امر گواه است که ضرباتی که افغانستان از دست پاکستان خورده است از دست هیچ کشور و هیچ ملتی نخورده است. کشور های زیادی ما را آزرده اند، ولی آزار پاکستان را صیغه و اثر دردناکتر و التیام ناپذیرتری بوده است.

حضور و حمایت، و تجهیز و تمویل و گسیل هزار ها خرابکار متعصب مذهبی افغانی و غیر افغانی برای کشتار بی گناهان و برهم زدن ثبات افغانستان و تلاش آشکار برای به قدرت رسانیدن خود فروخته ترین، مرتجع ترین و جاهلترین عناصر افغانی در افغانستان و ترور هر روزه صد ها و هزار ها انسان در این کشور، همین است تلاش رو به بهبود روابط میان دو کشور؟

طالبان افغانی و طالبان پاکستانی و القاعده و سائر حرکت ها و تحریک ها و جنبش ها و لشکر های متعصب و جنگجو، به شمول گروه های تروریستی، همه در خاک پاکستان لانه کرده اند. آن هائی که به افغانستان فرستاده می شوند همه با سرویس های اطلاعاتی نظامی پاکستان ارتباط دارند و از این دستگاه ها هم حمایت می شوند و هم دستور حمله و جنگ و ترور را به افغانستان می گیرند. ترور هائی که در خاک پاکستان صورت می گیرد عامل آن ها خود طالبان پاکستانی هستند که با سیاست پاکستان در قبال امریکا مخالف هستند. این مسأله را هم خود پاکستان می داند و هم جهان که نه هند و نه افغانستان - هیچ کدام - در این ترور ها دست ندارند. زیرا این کشور ها در طول تاریخ خویش همواره کوشیده اند تا دارای آبرومندانه ترین روابط با همسایه ها و با جهان باشند و همواره می کوشند که این گونه روابط شریفانه را با جهان، بخصوص با همسایه ها، حفظ کنند.

جهان شاهد این حقیقت غیر قابل انکار است که افغانستان نه در گذشته و نه امروز نه نیت و نیازی به حمایت تروریستان داشته و نه تجربه و توان تحمل هزینه این کار را دارا بوده است. بنابر این اگر جنگی وجود دارد، عاملین این جنگ در سرحدات میان دو کشور نه، که در مناطق آن طرف خط دیورند که فعلاً زیر کنترل پاکستان می باشد قرار دارند. پاکستان بیهوش تلاش دارد که مشکلی را که خود، هم برای ما - با مقصد معینی - و هم برای خود و جهان خلق نموده است به پای ما ختم کند. اگر منظور آقای گیلانی راکت پراگنی های اخیر باشد، باید دید که اولتر فریاد و استغاثه و شکایت کدام کشور در این رابطه بلند شد؟ زمانی که رئیس جمهور کرزی مسأله فیر راکت ها از پاکستان را به خاک افغانستان به جناب زرداری یاد آور شده خواهش کرد که در این زمینه توجهات لازم را به عمل آورند، جواب ایشان این بود که من از این موضوع هیچ اطلاعی ندارم. همین و بس! اگر جنگی در امتداد سرحدات وجود داشت، چرا در همان وقت آن را یاد نکردند؟ خواهش ما از آقای زرداری این است که نام حمله شرم آور یک جانبه پاکستان را جنگ نگذارند. کشوری که تا گلو در مشکلاتی که شما ها برایش خلق نموده ائید غرق است، چه گفته و با کدام منطق و عقل خود را به درد سری بزرگتری - به جنگ - گرفتار می کند؟

در مورد جمله اخیر تان باید گفته شود که شما باز هم بیهوده کوشیده ائید که افغانستان را به عنوان یک کشور مشکل آفرین معرفی کنید؛ در حالی که افغانستان نه توان مشکل آفرینی را دارد و نه توان تحمل مشکل آفرینی ها را! شما از دو کشوری نامبرده ائید که هیچ گونه موضع و نفع یکسانی در نارامی های موجود در این دو کشور خاصاً در سرحدات همدیگر ندارند. یکی قربانی جنگ و ترور و توطئه است که خواهان دست یابی به یک راه حل صلح آمیز، امنیت و پایان جنگ و ترور است و دیگری در صدد ایجاد مشکل و برهم زدن امنیت و صلح و تمویل جنگ و ترور است. یکی نفع و سودش را در صلح و ختم جنگ می بیند و دیگری نفع و سودش را در ناآرام ساختن همسایه ها جستجو می نماید.

این حرف مصداق ندارد که هر دو کشور - افغانستان و پاکستان - بخشی از راه حل هستند نه بخشی از مشکل! جمله درست این بود و این است که یکی، یعنی افغانستان بخشی از راه حل است و پاکستان بخشی از مشکل؛ نه تنها برای افغانستان که برای هند و منطقه و جهان!